

سازماندهی فضایی روستاها از دیدگاه جغرافیایی

مورد: بخش میرزا کوچک صومعه سرا

فاطمه کوچکی نژاد

دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی

چکیده

در این مقاله هدف مؤلف بر آن است که با تعیین زمینه‌های غالب در تحقیقات علمی جغرافیایی و خصوصاً با تأکید بر جنبه‌های روستایی، مفهوم سازماندهی فضایی روستا را مورد بحث قرار دهد. بر این اساس، این تحقیق با اعتقاد به این امر که مدیریت آگاهانه ساماندهی خدمات و منابع در نظام سکونتگاهی نه تنها به توزیع مناسب و مطلوب تخصیص منابع به نواحی پیرامون مدد می‌رساند بلکه انسجام کالبدی و سازمان فضایی بهینه نظام سکونتگاهی را در پی خواهد داشت، انجام گرفته است.

واژگان کلیدی

سازماندهی فضایی، فضا، دیدگاه جغرافیایی

مقدمه

آنچه به عنوان یک انگیزه اصلی و مهم برای تدوین مقاله حاضر نزد این مؤلف مطرح بوده، بررسی کلی و همه جانبه در مورد مفهوم یا ایده اصطلاحی سازماندهی فضایی در تحقیقات علمی جغرافیایی است.

یکی از پیامدهای نامطلوب ناشی از اجرای سیاستهای توسعه در کشور طی چنددهه اخیر، نابسامانی و عدم توازن در نظام سلسله مراتبی سکونتگاههاست. بازتاب این سیاستها به صورت رشد سریع شهرها به ویژه شهرهای بزرگ و تضعیف نقش شهرهای میانی و کوچک و نیز حذف حلقه‌های پیونددهنده شهرها و سکونتگاههای روستایی ظاهر گردیده، از بالاترین سطح، یعنی نظام سکونتگاهی کشور به طور اعم از سطوح پایین تر (ناحیه) قابل مشاهده است. به طوری که این نابسامانی در نظام سکونتگاهی محدوده مورد مطالعه (بخش میرزا کوچک) به شکل توزیع نامناسب خدمات در رابطه با جمعیت و فعالیت، گسستگی در سیستم فضایی و فقدان سکونتگاههای واسط و مکمل و وجود پرشهای ارتباطی و روابط غیرمنطقی سکونتگاههای کوچک با مراکز بزرگتر و مرکز شهرستان نمود پیدا کرده است. ادامه چنین روندی تخلیه تدریجی سکونتگاههای کوچک روستایی و تمرکز جمعیت و خدمات در تعداد معدودی از سکونتگاهها را در پی داشته است. این امر علاوه بر ایجاد مشکلات و تنگناهایی برای مراکز بزرگتر و شهرها مانع بهره گیری مناسب از توانمندیهای موجود در نقاط کوچک شده است. با توجه به مطالب یاد شده متناسب با توانمندیها و استعداد محیط



میان سکونتگاهها به ویژه نقاط کوچک رابامرکز شهرستان دچار اختلاف کرده است.

اهداف

عنايت و توجه به روستاهای محدودده مورد مطالعه از تمامی ابعاد و از جمله عمران و آبادی آنها (که ارائه خدمات نیز خود تلاشی در این راستاست) امری بدیهی و ضروری است. اما در شرایط کنونی در مرتبه نخست به واسطه ضعف بنیانیهای اقتصادی اکثریت روستاهای ناحیه و به خصوص روستاهای کم جمعیت و در مرتبه بعد به دلیل فراوانی سکونتگاههای روستایی واقع در محدوده مطالعاتی در عمل یک روستای تنهایی و بدون توجه به چگونگی توزیع فضا، سایر سکونتگاههای روستایی نمی تواند واحدی مناسب جهت استقرار خدمات تلقی گردد. لازم است تا باین نظر گرفتن مجموعه ای از روستاهای همگن در قالب محدوده های مشخص و باتوجه به آستانه های جمعیتی، شرایط مناسب را برای توزیع خدمات روستایی فراهم نمود. در این راستا شناخت ظرفیتهای قابلیت های سکونتگاههای روستایی از یک سو و تنظیم صحیح و متناسب نحوه ارائه و تأمین امکانات و خدمات مناسب برای آنها به منظور بهره گیری عقلانی از این قابلیتها از سوی دیگر از گامهای اولیه و اساسی است که باید به نحوی شایسته برداشته شود. (۲)

براین اساس تحقیق حاضر سعی بر آن دارد که ضمن بررسی ساختار فضایی سکونتگاهها و بررسی الگوهای رفتاری حاکم در سطح ناحیه از طریق به کارگیری مدلها و روشهای تجربه شده موجود در صورت لزوم و امکان سازگار نمودن هر چه بیشتر این مدلها با شرایط محلی به کمک انجام تغییرات برخی از مشخصه های آن (شرایط مطلوب جهت دستیابی به چارچوبی مناسب که در قالب آن امکان طبقه بندی سکونتگاههای روستایی و تعیین مراکز به گونه ای که هر یک از مراکز بتواند به مختصات ساختاری خود، کارکردها و نقش معینی را در قالب یک نظام سلسله مراتب فضایی و باتوجه به آستانه های جمعیتی و شعاع دسترسی های مناسب برعهده گرفته و ضمن رفع نیاز خدمات روستاهایی که با این مراکز در قالب نظام سلسله مراتبی دارای روابط متقابل هستند، از هدر رفتن نیروها و امکانات و منابع محدود و اندک قابل تخصیص نیز جلوگیری نموده و در نهایت با سازماندهی فضای مناسب خدمات یکپارچگی فضایی ناحیه نیز تحقق یابد.

بر همین اساس این تحقیق ضمن تلاش در جهت دستیابی به هدف کلی فوق، رسیدن به یک واقعیت مکانی فضایی یعنی روستاها و به عبارت صحیح تر حوزه های روستایی است که اکنون در یک محیط مسئله برانگیز در تقابل با حوزه های شهری قرار گرفته است و بیابالمکس، البته این تقابل در ابعاد مختلف پیش زمانی نیست که دامنگیر سیستم فضایی سرزمین شده سابقه آن شاید به نوعی به تحولات دگرگون ساز از ابتدای قرن جاری متأثر از سیاستها و راهبردهای توسعه اقتصادی، اجتماعی اعمال شده برگردد.

سازماندهی فضایی

به چگونگی شکل گیری مجموعه ای از عناصر به هم پیوسته

طبیعی آنها و نیز جلوگیری از تمرکز بیش از حد امکانات و جمعیت در نقاط خاص، ایجاد یک نظام سلسله مراتبی مطلوب اجتناب ناپذیر است. تحقیق حاضر در پی آن است تا ضمن شناسایی عوامل موجود آورنده، عدم تناسب، ساختار فضایی نظام سکونتگاهی بخش مورد مطالعه و امور بررسی قراردادده و با به کارگیری چند روش تکنیکی به ارزیابی نظام سکونتگاهی فعلی پرداخته و بالاخره با استفاده از نتایج حاصل از این روشها و لحاظ کردن رفتار محیطی موجود در بین سکونتگاههای مستقر در پهنه بخش مورد مطالعه الگوی مناسب و بهینه برای نظام سلسله مراتبی سکونتگاهی ناحیه ارائه نماید.

بیان مسئله

آنچه در شکل گیری و استقرار سکونتگاههای روستایی در پهنه سرزمین به عنوان عوامل کلیدی و اصل ایفای نقش نمود، و به عبارتی ساختار فضایی - مکانی را شکل می دهند، می توان عوامل اکولوژیکی، اجتماعی، اقتصادی، تاریخی، ساخت حکومتی و ایدئولوژی حاکم و سیاست گذارها دانست که به صورت متغیرهای مختلف که بر یکدیگر اثر متقابل دارند و به صورت سلسله وار باعث پیدایش و استقرار سکونتگاههای انسانی در پهنه ای از سرزمین شده که این عوامل و فرایندها به همراه تعامل و مناسبات متقابل بین سکونتگاههای ساختار فضایی ویژه ای رابه صورت یک نظام (سیستم) شکل می دهد. تا زمانی که جایگاه و نقش هر یک از اجزاء در کل نظام بر اساس تواناییهای درونی آن بوده و عملکرد و کارکرد هر جزء مکمل اجزای دیگر باشد تا دام و توسعه نظام را در پی داشته و هر سکونتگاه قادر به پاسخگویی به نیازهای اساسی ساکنانش خواهد بود. اما اگر به دلایلی جزئی از اجزای این نظام پیوسته در تقابل سایر اجزاء قرار گرفته و یا روابط حاکم بر مجموعه نظام دچار اختلال گردد، زمینه ضعف، رکود و در نهایت متلاشی شدن ساختار آن فراهم خواهد شد. به عبارت دیگر توسعه فضایی ممکن است به تمرکز مطلق (قطبی شدن و حذف پراکندگی ختم شود). (۱)

در تحقیق حاضر سؤالیهای زیر مطرح است:

- آيا می توان با تحلیل نظام سکونتگاهی و عوامل تأثیر گذار آن به سازماندهی متناسبی از جمعیت، فعالیت و خدمات دست یافت؟
- توزیع فضایی کارکردهای مختلف و سکونتگاهها از چه نظمی برخوردار است؟
- چگونه می توان توزیع سکونتگاهها را برای پویایی هر چه بیشتر محیط روستا و فعالیت بهبود بخشید؟
- باتوجه به سؤالات و مشکلات یاد شده علاوه بر خود نمایی در عرصه ملی در سطح پایین تر (ناحیه) نیز قابل مشاهده می باشد. به طوری که بررسی این مسئله در شرایط خاص شهرستان صومعه سرا مؤید این مطلب است. در محدوده مورد مطالعه نیز سکونتگاهها در اندازه های مختلف و بنا دارا بودن وضعیت اکولوژیکی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی متفاوت و استقرار یافته اند. و همین تفاوتها باعث عدم توزیع بهینه خدمات، فعالیتها و جمعیت شده است. عدم وجود زیر ساختهای فیزیکی، دسترسی و روابط



می‌توان گفت که سازمان فضایی و ساختار کارکردی موجود از انسجام و نظم لازم در جهت سرویس دهی به سکنه روستاها برخوردار نبوده و فقدان یک مرکزیت قوی که بتواند زمینه این انسجام را به وجود آورد خود به اضمحلال گسیختگی بیشتر، این سازمان و ساختار فضایی کارکردی آن منجر شده است.

منابع

- ۱- آسایش، دکتر حسین، ۱۳۷۴، اصول و روشهای برنامه‌ریزی روستایی، انتشارات پیام نور.
 - ۲- آسایش، دکتر حسین، برنامه‌ریزی روستایی در ایران، انتشارات پیام نور.
 - ۳- اجلائی، پرویز، ۱۳۷۱، تحلیل منطقه‌ای و سطح بندی سکونتگاهها، جلدیکم، چاپ یکم، تهران، سازمان برنامه و بودجه
 - ۴- اشکوری معصومی، سعیدحسین، ۱۳۷۶، اصول و مبانی برنامه‌ریزی منطقه‌ای.
 - ۵- سعیدی، عباس و دیگران، ۱۳۷۰، سطح بندی روستاهای کشور، گزارش یکم، تهران، بنیاد مسکن انقلاب اسلامی
 - ۶- صرافی، مظفر، ۱۳۶۴، سیری در مباحث توسعه فضایی بانگاه ویژه به طرح آمایش سرزمین، چاپ اول، تهران، سازمان برنامه و بودجه
 - ۷- مسیرا، آر، پی، شناخت برنامه‌ریزی مکانی برای عمران روستایی در ایران، نشریه شماره یکم، تهران، سازمان برنامه و بودجه
- 8 - Paul.J.Clocke, An introduction to Rural. Sattement Planning, 1983

نظیر جمعیت، فعالیت، نقاط گرهی، کانونی، شبکه دسترسی، نقش و کارکرد مراکز و... و نیز روابط میان این عناصر در فضا اطلاق می‌گردد.

سازمان فضایی عبارت از ترتیب و توزیع نظام یافته واحدهای یک مجموعه در فضا در راستای عملکردهای عموم.

مجموعه سازمان فضایی دارای اجزای زیر می‌باشد:

- ۱- نقاط یا گرهگاهها: روستاها، شهرکها، نواحی صنعتی و...
- ۲- شبکه‌ها: راهها و جاده‌ها، کانالها، خطوط انتقال نیرو و...
- ۳- لکه‌های باسطوح: اراضی زیرکشت، جنگلها، بیابانها، دریاها، رودخانه‌ها، مرداب و...

فضا

حجم مکانی و زمانی مجموعه‌ای از تمام فعالیتهاست که انسان در راه تسلط بر طبیعت و برای بقا خود انجام می‌دهد و به عبارت دیگر منظور فضایی است اقتصادی، اجتماعی که منعکس کننده تمام هستی جوامع انسانی است.

دیدگاه جغرافیایی

دیدگاه رومی توان بر مبنای تفکرات افرادیا گروه‌های بندگی کرد. گروههای ذینفع، طبقات اجتماعی، پسران فرهنگها و خرده فرهنگها، هر یک از دیدگاه خاصی تبعیت می‌کنند. دیدگاه جغرافیایی بر اساس تعاریف و مفاهیم جغرافیدار در تباط با مکان ساختار و فرایند فضایی است. به طوری که هیچ علم دیگری به طور مداوم در ارتباط با ساختار فضایی نیست. دیدگاه جغرافیایی می‌تواند به دو گونه صورت پذیرد. نخست دیدگاه عمومی دو، دیدگاه ناحیه‌ای. در روش مطالعه جغرافیایی مواردی نظیر: شناسایی اولیه پدیده‌های تشکیل دهنده چشم‌انداز از نظر موقعیت مکانی و ویژگیهای آن کشف روابط موجود در چشم‌انداز و شناسایی فرایندهای حاکم، پیش‌بینی آینده بر اساس روابط موجود در فرایندهای حاکم و طبقه‌بندی چشم‌اندازها مورد نظر می‌باشند.

نتیجه‌گیری

استقرار سطوح مختلف خدمات در ناحیه مورد مطالعه همراه با حدود وظایف دستگاههای خدمات دهنده و هم‌منظور الگوهای رفتار فضایی ساکنان و سکونتگاهها به منظور دسترسی به مراکز ارائه خدمات که خود ناشی از شرایط طبیعی، ویژگیهای فرهنگی - اجتماعی و نیز گسترش شبکه ارتباطی است منجر به شکل‌گیری محدوده‌های روابط عملکردی به ویژه در روابط با خدمات آموزشی - بهداشتی - درمانی و شبکه تعاونیها گردید. که بسته به نوع و سطح خدمات ارائه شده در مرکز حوزه‌ها و مجموعه‌های هم پیوند کارکردی ناحیه شکل گرفته است.

علاوه بر موارد فوق، گرایش اهالی به انجام سفرهای چندمنظوره، خود از عوامل تشدیدسفر به شهر صومعه سراه مجموعه‌ای از خدمات مختلف را به صورت یک‌جا در اختیار می‌گذارد، محسوب می‌شود. باتوجه به موارد فوق

پاورقی

- ۱) صرافی، مظفر، ۱۳۶۴، سیری در مباحث توسعه فضا با نگاه ویژه به طرح آمایش سرزمین، چاپ اول، تهران، سازمان برنامه و بودجه، ص ۱۱.
- ۲) سعیدی، عباس و دیگران، ۱۳۷۰، سطح بندی روستاهای کشور، گزارش یکم، تهران، بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، ص ۲.